

# راه مقابله با انحصار خصوصی سازی است

اشاره:

انحصارزدایی و ایجاد شرایط رقابتی برای فعالیت‌های اقتصادی از موارد اصلاحاتی است که در سومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به آن تأکید شده است. با وجود راهکارهایی که برای حذف انحصارها و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی در برنامه سوم پیش‌بینی شده و نیز با گذشت بیش از یک سال و نیم از شروع اجرای این برنامه، تاکنون تحول چشمگیری در این خصوص مشاهده نشده است. این در حالی است که رقابت در عرصه بین‌المللی روزبه‌روز فشرده‌تر و بازارها میان فعالان اقتصادی تقسیم می‌شود و ایران اسلامی سهم بسیار نازلی در اقتصاد و تجارت جهانی دارد. با این وصف شناسایی موانع حذف انحصارها و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، تبیین این موانع و یافتن راه‌حل‌های اجرایی برای تحقق اهداف برنامه سوم در این خصوص، الزامی است و می‌تواند در بهره‌برداری از منابع و فرصت‌های تجاری - سرمایه‌گذاری مؤثر واقع شود. خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با آقای دکتر مسعود نیلی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، ریشه‌های بروز انحصارها در جهان و ایران، اشکال مختلف انحصارها و زیان‌های وارده بر اقتصاد ملی در اثر نبود فضای رقابتی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی را جویا شد. ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

- چگونگی پیدایش انحصار در فعالیت‌های اقتصادی را تشریح فرمایید.
- ا در شرایطی که در مقابل مصرف‌کنندگان متعدد فقط یک تولیدکننده در بازار وجود داشته باشد، انحصار به صورت مطلق ایجاد می‌شود.
- به طور طبیعی، در چنین شرایطی به دلیل آنکه مصرف‌کننده حق انتخاب دیگری را ندارد، ناچار است محصول عرضه شده از سوی انحصارگر را به قیمتی که وی تعیین می‌کند، خریداری کند.
- این شرایط به لحاظ رفاه عمومی و رفاه اجتماعی در مباحث نظری، شرایط نامطلوب تلقی می‌شود، زیرا رفاه مصرف‌کننده به طور کامل در اختیار انحصارگری است که تنها عرضه‌کننده محصول در بازار است. این انحصارگر به صفت یک بنگاه در بازار عمل می‌کند، چون در پی حداکثر کردن سود خود می‌باشد. هم قیمت را انتخاب می‌کند و هم سطح تولید را. به دیگر سخن این انحصارگر دارای دو انتخاب است، بنابراین قادر است شرایط نامتعادل و یک‌طرفه‌ای را در بازار به نفع خود ایجاد کند.
- معمولاً در مباحث نظری - اقتصادی این موضوع مطرح می‌شود که در شرایطی که چنین اتفاقی به وقوع می‌پیوندد و یک انحصار کامل

در بازار ایجاد می‌شود، دولت‌ها از طریق وضع مالیات بر درآمد انحصارگر، بخشی از آثار سوء رفاهی را که به دلیل برقراری شرایط انحصاری ایجاد شده، از بین می‌برد. یعنی دولت با دریافت مالیات، بخشی از منابع انحصارگر را در اختیار خود قرار می‌دهد و آن را در سطح جامعه توزیع می‌کند.

در نظام‌هایی که مبتنی بر اقتصاد بازار است و بخش خصوصی در اقتصاد فعال است، امکان دارد شرایطی اتفاق بیفتد که از بین تولیدکنندگان متعدد یک یا تعداد بسیار معدودی از آنان به دلیل توانمندی‌هایی که در عملکردشان وجود دارد، سهم بیشتری از بازار را به دست آورند و به تدریج سهم بیشتر را به ظرفیت‌هایی تبدیل کنند که تولیدکنندگان کوچکتر را در تملک خود بگیرند و در نهایت یک شرایط انحصاری در بازار به وجود آورند.

■ در اقتصادهای مبتنی بر بازار، انحصارها چگونه به وجود می‌آیند و تا چه حد قادر به رشد می‌باشند؟

۱۱ انحصارهایی که در اقتصادهای غیرمتمرکز و غیردولتی وجود دارند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- انحصارهای طبیعی
- انحصارهای غیرطبیعی

انحصارهای غیرطبیعی در واقع انحصارهایی است که به دلیل وجود قابلیت‌های زیادتر در بخشی از

بنگاه‌ها در مقایسه با بنگاه‌های دیگر ایجاد می‌شود. یعنی آن بنگاه نمی‌تواند دیگر بنگاه‌ها را از میدان خارج کند و در بازار به یک انحصارگر تبدیل شود.

مثال بارز این امر شرکت مایکروسافت در آمریکا است. این شرکت در بازار نرم‌افزار به دلیل دارا بودن قابلیت‌های بیشتر نسبت به رقبای خود، آنان را به تدریج از میدان خارج کرده و امروز به یک قدرت بزرگ تبدیل شده است.

در زمینه انحصار طبیعی باید گفته شود، در این انحصار ماهیت محصولی که تولید می‌شود، ایجاب می‌کند که در مقیاسی بسیار بزرگ تولید شود. برای مثال در تولید الکتریسیته نمی‌توان انتظار داشت که هر واحد تولیدی یا خدماتی برای خود یک واحد تولید برق را پیش‌بینی کند، زیرا تولید برق در مقیاس بسیار بزرگ اقتصادی است.

مخابرات، پست و شرکت‌های نقل و انتقال هوایی نیز همین ویژگی را دارند و در مقیاس‌های کوچک غیر اقتصادی و ناچار هستند در مقیاس‌های بزرگ فعالیت کنند. در این صورت سهمی را که در بازار به دست می‌آورند، یک سهم بالا خواهد بود. در نتیجه به یک نیروی انحصاری یا شبه‌انحصاری در بازار تبدیل می‌شوند.

این دو دسته انحصار همان‌طور که گفته شد در اقتصادهای متکی بر

عملکرد بازار به وجود می‌آیند. به طور کلی کشورها از طریق وضع قوانین «ضدانحصار» مانع رشد بیش از حد بنگاه‌های توانمند می‌شوند و در کشورهای پیشرفته هنگامی که میزان تملک یک واحد اقتصادی از حد معینی فراتر برود، به طور معمول قوه قضاییه مانع توسعه بیشتر آن بنگاه می‌شود و در نتیجه از طریق کنترل بزرگ شدن این گونه بنگاه‌ها، مانع از شکل‌گیری انحصارهای بزرگ در بازار می‌شوند. در بانک‌ها، بیمه‌ها و صنایع رایانه این پدیده مشاهده می‌شود.

در زمینه انحصار طبیعی نیز علت شکل‌گیری این گونه انحصارها، ماهیت محصولی است که تولید می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، این گونه محصولات باید در مقیاس وسیع تولید شوند تا اقتصادی باشند. در این انحصار، تحولات فناوری تأثیرگذار است و می‌تواند این گونه انحصارها را محدودتر کند.

به عنوان مثال، پیش از این، در حوزه مخابرات انحصار طبیعی وجود داشت و خطوط تلفن و ایجاد شبکه‌ها و زیرساخت‌های مخابراتی در مقیاس‌های بزرگ و وسیعی ایجاد می‌شد تا قابلیت استفاده از مخابرات فراهم شود. اما در ده سال گذشته به دلیل تحولاتی که در فناوری مخابرات ایجاد شده، مشاهده می‌شود که لزومی ندارد خطوط و شبکه‌های مخابراتی در مقیاس‌های بزرگ ایجاد

شوند، بلکه در مقیاس‌های بسیار کوچکتر نیز صرفه اقتصادی دارد.

امروزه در کشورهای پیشرفته مشاهده می‌شود که مخابرات دیگر در اختیار دولت‌ها نیست و در مقیاس‌های کوچکتر توسط بخش خصوصی اداره می‌شود.

این اتفاق امروز در کشورهای پیشرفته در زمینه الکترونیک و تولید برق نیز کمابیش مشاهده می‌شود.

■ آیا ریشه‌های پیدایش انحصار در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه یکسان است و برخورد یکسانی نیز با آنها صورت می‌گیرد؟

۱۱ پدیده انحصار در کشورهای در حال توسعه با آنچه که در کشورهای پیشرفته است، تفاوت دارد.

به طور معمول در کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها نقش گسترده‌ای در اداره امور اقتصادی ایفا می‌کنند و در نتیجه طیفی از کالاها و خدمات از سوی بنگاه‌های دولتی تولید می‌شوند و در اختیار بازار قرار می‌گیرند. بنابراین یک ریشه انحصار در کشورهای در حال توسعه وجود نظامی است که در آن دولت در مالکیت‌ها مشارکت دارد و در عرضه محصولات اعم از کالا و خدمات نقش ایفا می‌کند.

در ضمن نوع دیگری از انحصارات نیز در کشورهای در حال توسعه شکل می‌گیرد که مربوط به

وجود شرایط «رانتی» در اقتصاد است.

در این زمینه امتیازات خاصی از طریق دولت به افراد خاص و به شکل نابرابر واگذار می‌شود. این امر منجر به بروز پدیده انحصار در قالب امتیازات دریافت شده از سوی دولت می‌شود، بنابراین ریشه‌های شکل‌گیری انحصار را می‌توان برحسب آنکه در یک کشور پیشرفته یا در حال توسعه به وجود آید، به طور مجزا شناسایی و ارزیابی کرد.

البته عواملی که منجر به بروز پدیده انحصار در کشورهای پیشرفته می‌شود نیز در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. به دیگر سخن در کشورهای در حال توسعه انحصارهای طبیعی نیز وجود دارد. بنگاه‌هایی که فعالیت بکنند و بتوانند از طریق توسعه فعالیت‌هایشان سهم بیشتری در بازار به دست آورند، قادر هستند انحصار را شکل دهند. بنابراین در کشورهای در حال توسعه نه تنها عواملی که موجب انحصار در کشورهای پیشرفته می‌شود، وجود دارد، بلکه عواملی که خاص خود کشورهای در حال توسعه است و باعث ایجاد انحصار می‌شود، نیز قابل مشاهده است.

گفتنی است در کشورهای پیشرفته به دلیل وجود قوانین، قوه قضاییه مانع شکل‌گیری انحصار می‌شود و اندازه بنگاه‌ها را کنترل می‌کند، امادر کشورهای در حال

توسعه به طور معمول قوه قضاییه از توانمندی لازم نسبت به قوه قضاییه کشورهای پیشرفته برخوردار نیست و با یک ساختار عقب‌افتاده مواجه است.

بنابراین فقدان قابلیت‌های لازم در قوای قضاییه کشورهای در حال توسعه باعث می‌شود، بنگاه‌هایی که دارای قابلیت و توانمندی هستند، بدون برخورد با یک مانع جدی سهم بیشتری از بازار را به دست آورند.

■ انحصارگرایی در فعالیت‌های اقتصادی چه زیان‌هایی به بار می‌آورد؟

۱۱ به لحاظ اقتصادی مطلوب‌ترین شرایطی را که برای عملکرد یک نظام اقتصادی می‌توان قایل شد و به عنوان یک وضعیت مأخذ تلقی کرد، شرایط رقابت کامل است.

این موضوع را با دو ضابطه می‌توان در نظر گرفت:

۱- کارآیی به معنای آنکه هر کسی منافعی را که تحصیل می‌کند، در نتیجه میزان قابلیت، کارآیی و به زبان اقتصادی بهره‌وری می‌باشد.

شرایط رقابت کامل از این جهت اهمیت دارد و مانع از تضییع منابع و سبب می‌شود که منابع به شکل بهینه به فعالیت‌های مختلف تخصیص داده شود.

۲- در شرایط رقابت کامل قیمت محصولات به دلیل

رقابت در پایین‌ترین سطح ممکن خود قرار می‌گیرد.

پایین‌ترین سطح ممکن به لحاظ اقتصادی، «هزینه حاشیه‌ای» تعریف می‌شود.

به دیگر سخن، قیمت در شرایط رقابت کامل با هزینه حاشیه‌ای، برابر است.

بنابراین در شرایط رقابت کامل از یک سو اقتصاد به دلیل تخصیص بهینه منابع در بالاترین حد کارایی عمل می‌کند و بنگاه‌ها به طور عمده از چنین شرایطی استفاده می‌برند و از سوی دیگر مصرف‌کننده به دلیل آنکه قیمت در پایین‌ترین سطح ممکن قرار می‌گیرد، منتفع می‌گردد. بنابراین عملکرد رقابت کامل از دو معیار «کارایی» و «رفاه اجتماعی» برخوردار و ایده‌آل است.

به طور اصولی هر چه ساختار بازار از شرایط رقابت کامل دور می‌شود، این ویژگی‌ها به طور همزمان از دست می‌رود.

در حقیقت زبانی که در اثر فقدان شرایط رقابت کامل حاصل می‌شود، دو چیز است.

۱- دور شدن از شرایط کارایی و فقدان تخصیص بهینه منابع و هدر رفتن بخشی از منابع کشور در قالب تخصیص غیربینه.

۲- فاصله گرفتن قیمت از هزینه حاشیه‌ای در نتیجه فشار وارد شدن به

مصرف‌کننده و تحت تأثیر قرار گرفتن رفاه عمومی.

■ راه‌های مقابله با انحصارگرایی در فعالیتهای اقتصادی کدامند؟

۱- ابتدا باید بررسی شود انحصاری که در اقتصاد ایجاد شده است، در اثر چه عواملی می‌باشد، به دیگر سخن باید ابتدا منشأ ایجاد انحصار در اقتصاد را شناخت.

۱- اگر انحصار طبیعی وجود داشته باشد، چاره‌ای نیست و باید آن را پذیرفت. راه‌های مقابله با انحصارهای طبیعی تعریف شده است.

انحصارهای طبیعی در حوزه‌های مربوط به تولید برق، پست و از این قبیل را از طریق «تنظیم انحصار» می‌توان کنترل کرد.

در این زمینه به دلیل آنکه انحصارگر در مورد تعیین قیمت و میزان عرضه محصول در این زمینه به دلیل آنکه انحصارگر از قدرت مطلق برخوردار است، از سوی دولت یا قوه قضاییه افرادی که آن صنعت را به خوبی می‌شناسند به عنوان تنظیم‌کننده بالای سر اینگونه انحصار قرار می‌گیرند و به چگونگی عملکرد انحصارگر نظارت می‌کنند و مانع آن می‌شوند که انحصارگر نقش مخربی را در اقتصاد ایفا کند.

در بخش دیگری از اقتصاد که شبیه انحصار طبیعی است مانند خطوط هوایی و غیره، به طور معمول دولت‌ها اجازه فعالیت را به بنگاه‌های

کوچک‌تر در مقیاس ضعیف‌تر می‌دهند، تا این بنگاه‌ها در سطح پایینی بتوانند با بنگاه‌های بزرگ به رقابت برخیزند.

این نوع حرکت را حتی در زمینه خطوط اتوبوسرانی داخل شهری نیز می‌توان اعمال کرد، به این مفهوم که شرکت واحد اتوبوسرانی تمامی خطوط را به طور انحصاری در اختیار دارد، اما به یک شرکت کوچکتر اجازه داده می‌شود در یک مسیر محدود با شرکت واحد اتوبوسرانی به رقابت پردازند.

در عمل و در تئوری ثابت شده است که رقابت شرکت‌های کوچک باعث می‌شود، انحصارگر قیمت‌های خود را به سطح هزینه حاشیه‌ای برساند و کمک کند تا آثار سوء رفاه اجتماعی این انحصار به حداقل برسد.

در حالتی که انحصار ناشی از بروز قابلیت‌های خلاقیت‌های یک بنگاه در مقایسه با بنگاه‌های دیگر است و در نتیجه قدرت گرفتن آن در بازار قوانین ضد انحصار می‌تواند مانع از شکل‌گیری انحصارات شود.

در کشورهای پیشرفته کمیته ضدانحصار وجود دارند و مانع از آن می‌شوند که یک بنگاه از حدی معین بزرگتر شود.

در حالتی که منشأ انحصار، مالکیت‌های دولتی است، راه مقابله با آن خصوصی‌سازی است.

در این حالت دولت باید خود را از این مالکیت دور کند، وگرنه شرایط انحصاری به بدترین شکل خود اعمال خواهد شد، زیرا اگر یک انحصارگر خصوصی وجود داشته باشد، آن انحصارگر دولتی در مقایسه با انحصارگر خصوصی، از یک امتیاز مضاعف برخوردار است، چون به لحاظ اقتصادی سهم عمده را در بازار دارد و هم از حمایت سیاسی برخوردار است.

این در حالی است که بخش خصوصی انحصارگر از حمایت سیاسی می‌تواند برخوردار نباشد و هر لحظه که دولت تصمیم بگیرد می‌تواند او را از بازار دور کند.

بنابراین «انحصار» و «فعالیت دولتی» دو موضوع متفاوت است که وقتی این دو با هم ادغام می‌شوند و به صورت انحصار دولتی درمی‌آیند، مخرب‌ترین شکل انحصار بروز می‌کند و می‌تواند آثار سوء زیادی داشته باشد. از آنجا که انحصار دولتی از حمایت سیاسی برخوردار است، می‌تواند سال‌های درازی ادامه حیات دهد. اما، راه حل مقابله با این انحصار، خصوصی‌سازی است.

اگر منشأ ایجاد انحصار، امتیازات رانتی است که به بنگاه‌های خاصی داده شده، راه مقابله با آن، حذف رانت است.

■ آیا انحصارات فی‌نفسه زیان‌بار است یا ممکن است مزایایی نیز داشته باشد؟

□ تنها حالتی که می‌توان مزایایی را بر انحصار مسترتب دانست، انحصارات طبیعی است، بنابراین بقیه انحصارات فی‌نفسه زیان‌بار هستند.

■ رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی چگونه میسر است؟

|| به نظر من باید شرایط یکسان را برای تمامی عوامل اقتصادی در بازار ایجاد کرد.

در اقتصادهایی شرایط رقابتی برقرار است که به لحاظ حقوقی و ساختار بازار شرایط یکسانی برای هم فراهم باشد.

هر یک از آحاد مردم که در خود توانمندی و قابلیت را احساس می‌کند و بتواند در یک فعالیت اقتصادی وارد شود و به لحاظ حقوقی با بقیه افراد تفاوتی برای ورود به آن عرصه نداشته باشد، محقق شدن این شرایط را رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی می‌گویند.

بطور کلی از طریق تنظیم قوانین و اجرای آنها می‌توان رقابتی شدن را حاکم کرد. اگر هر فردی از مردم که احساس کرد این شرط در مورد وی نقض شده است، می‌تواند به دادگاه‌های صالحه مراجعه و شکایت کند و مطمئن باشد که در پایان صاحب حق شناخته می‌شود، فقط تحت چنین شرایطی، فعالیت‌های اقتصادی، رقابتی خواهد شد. اگر هر یک از این شرایط برقرار نباشد و به نوعی یک امتیاز انحصاری به یک یا گروه‌هایی از جامعه داده شود که این

امتیاز در اختیار کسان دیگر قرار نگیرد، فعالیت‌های اقتصادی رقابتی نخواهد شد.

■ موانعی که در راه رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی وجود دارد، کدامند؟

|| موانعی که در راه رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی در ایران وجود دارد عبارتند از:

وجود مالکیت‌های غیر خصوصی که در مالکیت‌های دولتی و عمومی خلاصه می‌شود، اگر در بازار یک محصول، تولیدکننده عمده که ۸۰ درصد آن بازار را در اختیار دارد، یک واحد دولتی باشد، واحدهای متعدد بخش خصوصی که ۲۰ درصد بقیه سهم بازار را دارند، بطور کامل تحت تأثیر آن واحد بزرگ قرار می‌گیرند. این پدیده هم اینک در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود.

در صنایع و واحدهایی که چنین شکلی از انحصار در موردشان وجود دارد، واحدهای کوچک بخش خصوصی با تمایل خودشان به سمت دولتی شدن گام برمی‌دارند و مایل هستند که زیر چتر حمایت ۸۰ درصد دولت قرار گیرند، زیرا که می‌خواهند از امتیازات متعددی که دارند سهم بزرگ از آن بهره‌مند است استفاده کنند و نقاط ضعف خود را بپوشانند.

بنابراین یک مانع در راه رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، وجود مالکیت‌های دولتی و عمومی است. مانع دوم غیرشفاف بودن اقتصاد و

رانتی بودن آن است که سبب می‌شود اقتصاد نتواند به شکل رقابتی فعالیت کند.

بر اساس تعریف، «رانت» امتیازی است که فقط در اختیار افراد خاصی قرار می‌گیرد و نه همه، بنابراین تا زمانی که رانت وجود دارد، افرادی یا نهادهایی هستند که می‌توانند از امتیازاتی که همه نمی‌توانند از آن برخوردار شوند، استفاده می‌کنند و این به معنای یک مانع بزرگ در راه فعالیت‌های اقتصادی است.

بطور کلی حذف رانت، شفاف کردن اقتصاد و حذف مالکیت‌های دولتی و عمومی می‌تواند اقتصاد را به سمت رقابتی شدن هدایت کند.

### ■ دولت چه نقشی در ایجاد فضای رقابتی در فعالیت‌های اقتصادی دارد؟

|| دولت باید مواردی که به آنها اشاره شد را از بین ببرد یعنی اقتصاد را شفاف کند، قوانینی را پیشنهاد بدهد و لویاحی را تهیه کند که در چارچوب آن اولاً انحصار موجود از بین بروند و ثانیاً مانع از شکل‌گیری انحصار جدید در بخش خصوصی شود.

### ■ چرا دولت‌ها به سرعت در مسیر رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی گام بر نمی‌دارند؟

|| این موضوع چند دلیل دارد. در مواردی که عامل ایجاد انحصار،

دولت است و انحصار به اصطلاح دولتی است، به طور طبیعی دولت در جهت تضعیف خود در هر زمینه‌ای اقدام نمی‌کند. بنابراین دولت‌ها به خاطر اینکه خود را ضعیف‌تر نکنند به سمت رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی گام بر نمی‌دارند و چون ساختار دولت به معنای نهاد دولت در لایه‌های میانی و پایین از شرایط انحصار اقتصادی موجود که در اختیار دارد منتفع می‌شود، مانع از آن می‌شود که نظام اداری خود فراهم آورنده شرایطی باشد که آن منافع را از بین ببرد.

عامل دوم تا اندازه‌ای جنبه جهان‌بینی دارد، زیرا بعضی دولت‌ها بر اساس تلقی‌های خاصی که از عدالت اجتماعی دارند، تصور می‌کنند که اگر فعالیت‌های اقتصادی در اختیار خودشان باشد می‌توانند آنها را در هم ادغام کنند و کنار هم بگذارند و انحصار بزرگی ایجاد کنند تا حداکثر نفوذ و سیامت خود را در مورد آن واحد اعمال کنند و به طور مشخص در مورد قیمت محصولات کنترل خود را اعمال کنند و با تلقی که از عدالت اجتماعی دارند، محصولات ارزان در اختیار جامعه قرار دهند.

در چنین حالت‌هایی، دولت‌ها به لحاظ جهان‌بینی مدافع انحصار دولتی هستند، زیرا فکر می‌کنند از این طریق

می‌توانند ابزارهای لازم برای تحقق عدالت اجتماعی را در اختیار داشته باشند، که این امر به نظر من یک تلقی غلط است.

### ■ آیا راهکارهای اتخاذ شده در برنامه سوم توسعه برای انحصارزدایی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، کافی است؟

|| راهکارهای اتخاذ شده در برنامه سوم برای انحصارزدایی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی را نمی‌توان گفت به طور مطلق کافی است، اما لازم است.

با توجه به مدتی که از شروع اجرای برنامه سوم گذشته، اگر بتوان در همان حدی که در برنامه هم پیش‌بینی شده، به رفع انحصارات پردازیم و به مواردی که در آن برنامه گفته شده است، عمل کنیم، به دستاوردهای بسیار بزرگی نایل خواهیم شد.

تا این لحظه، اقدامات بسیار کمی در جهت تحقق راهکارهای برنامه سوم در زمینه تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی انجام شده است. اگر مفاد برنامه سوم در مورد انحصارات به اجرا درآید، به یقین با دستاوردهای خوبی مواجه خواهیم شد و زمینه برای برداشتن گام‌های وسیع‌تر در برنامه‌های آتی فراهم خواهد شد.

■ آیا نسبت به کاهش مالکیت‌های دولتی در برنامه سوم توسعه، خوشبین هستید؟

|| همانطور که گفته شد تا امروز حرکت‌های عمده‌ای در جهت خصوصی‌سازی اتفاق نیافتاده است، اما می‌توان امیدوار بود و همواره توصیه کرد که چنین اصلاحاتی انجام پذیرد. بنابراین همواره این انتظارات وجود دارد، بخش‌هایی از برنامه که همواره جنبه اصلاح ساختاری دارد، از جمله خصوصی‌سازی و رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی، محقق شود.

توصیه می‌کنم این بخش‌ها که اصلاحات ساختاری در برنامه سوم توسعه محسوب می‌شوند و از محورهایی است که سعی شده است در آنها اینگونه اصلاحات انجام پذیرد، هر چه زودتر محقق شود. به طور اصولی در برنامه سوم سعی شده از شکل متعارف که تقسیم بودجه بین دستگاه‌های مختلف است، دور شویم و به سوی اینگونه اصلاحات برویم.

چنانچه تا امروز اصلاحات ساختاری شتاب خوبی نداشته است، باید در سال‌های باقی مانده از برنامه سوم شتاب مطلوبی داشته باشد و بطور منظم به پیش برود.

■ به نظر شما بخش خصوصی ایران توان برخورد مناسب در

بازارهای جهانی را دارد و با وجود خصوصی‌سازی، می‌تواند بطور موفق در بازارهای رقابتی عمل کند؟

|| به نظر من هر چه دیرتر در این زمینه‌ها اقدام شود، حق انتخاب ما محدودتر می‌شود و به ناچار امتیازات بیشتری را باید به کسانی داد که شاید قبلاً می‌توانستیم آن امتیازات را ندهیم.

برای مثال کره جنوبی و مالزی دو کشور موفق ارزیابی می‌شوند، متفاقی فرق کره با مالزی این است که مالزی حدود ۲۰ سال دیرتر از کره صنعتی شدن را آغاز کرد. دیرتر شروع کردن مالزی نسبت به کره، باعث شد که مالزی برای آنکه شتاب بیشتری به صنعتی شدن خود بدهد و به اهدافی که در نظر دارد تا سال ۲۰۲۰ برسد، ناچار شود به نحو بسیار وسیع‌تری نسبت به کره جنوبی در بازارهای جهانی ادغام شود.

هم‌اینک اتکاء مالزی در توسعه صنعتی به منابع و سرمایه‌گذاری خارجی چند برابر کره جنوبی است. در ایران نیز بخش خصوصی ضعیفی وجود دارد که در صورتی می‌تواند محصول صنعتی تولید و به بازارهای جهانی صادر کند و از این طریق به رقابت پردازد که متصل به بنگاه‌های بین‌المللی باشد تا در چارچوب استاندارد و کیفیت محصول آنان، به تولید پردازد، و در

ضمن بتواند در مسیر بازاریابی آنان حرکت کند.

گفتنی است بخش خصوصی ایران نه تنها ضعف بنیه مالی دارد، بلکه ضعف تکنیک‌های بازاریابی، مدیریتی و ... نیز دارد. چنین ضعف‌هایی را نمی‌توان یک شبه برطرف کرد. بنابراین خصوصی‌سازی باید با اتصال و تعامل با نظام اقتصاد جهانی همراه باشد و گرنه خصوصی‌سازی بدون تعامل با دنیای خارج باعث می‌شود یک بخش خصوصی ناکارا در کشور ایجاد شود و نتواند محصول خود را به بازارهای جهانی بفروشد.

محصول تولیدی چنین بخشی کیفیت نخواهد داشت و حتی نمی‌تواند مصرف‌کننده داخلی را جلب کند.

به نظر من باید در این زمینه مجموعه‌ای از سیاست‌ها را مورد نگرش قرار داد که یک طرف آن خصوصی‌سازی و طرف دیگر آن اتصال به نظام اقتصادی جهانی و تعامل با بنگاه‌های پیشرفته در سطح جهان است.

